

اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان

علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور

حسن توزنده‌جانی^۱ - جهانشیر توکلی‌زاده^۲ - زهرا لگزیان^۳

چکیده

زمینه و هدف: شیوه‌های فرزندپروری به عنوان یکی از وظایف اساسی والدین نقش مهمی در دوره‌های بعدی زندگی فرزندان دارد. این تحقیق با هدف تعیین اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روانی دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸ انجام گرفته است.

روش تحقیق: این پژوهش توصیفی-تحلیلی بر روی ۲۱۰ دانشجو (۱۰۵ دختر و ۱۰۵ پسر) از بین ۳۷۵۷ دانشجوی رشته‌های علوم انسانی که به شیوه‌ی نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی دو مرحله‌ای انتخاب شدند انجام گرفت. نمونه‌ی پژوهش با سه پرسشنامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری (تکمیل شده توسط والدین)، خودکارآمدی و سلامت عمومی آزمون شدند و داده‌های تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون تحلیل واریانس یک عاملی و دو عاملی (F) و آزمون تعقیبی توکی تجزیه و تحلیل شد.

یافته: نتایج تحقیق نشان داد شیوه‌های فرزندپروری والدین بر خودکارآمدی دانشجویان تأثیر معنی‌داری داشته ($p=0/0064$) و در این میان شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه نسبت به شیوه‌ی سهل‌گیرانه ($p=0/001$) و شیوه‌ی مستبدانه ($p=0/01$) بر افزایش خودکارآمدی تأثیر معنی‌داری داشته است. همچنین شیوه‌های فرزندپروری بر سلامت روان نیز تأثیر معنی‌داری داشت ($p=0/027$) و تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر سلامت روانی متفاوت بوده است. به طوری که شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه نسبت به شیوه‌ی مستبدانه ($p=0/0078$) و شیوه‌ی سهل‌گیرانه نسبت به شیوه‌ی مستبدانه ($p=0/018$) بر سلامت روان دانشجویان تأثیر معنی‌داری گذاشته است.

نتیجه‌گیری: با توجه به تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روانی که اهمیت ویژه‌ای در دانشجویان دارد، آموزش این شیوه‌ها برای والدین در سطوح مختلف توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خودکارآمدی؛ دانشجویان؛ سلامت روان؛ شیوه‌های فرزندپروری

افق‌دانش؛ فصلنامه‌ی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد (دوره‌ی ۱۷؛ شماره‌ی ۲؛ تابستان ۱۳۹۰)

پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۱۱

اصلاح نهایی: ۱۳۹۰/۲/۳۱

دریافت: ۱۳۸۹/۶/۲۷

۱- استادیار، دکترای روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور

۲- نویسنده‌ی مسؤؤل؛ استادیار، دکترای روانشناسی تربیتی، مرکز تحقیقات توسعه‌ی اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد
آدرس: گناباد - دانشگاه علوم پزشکی گناباد - مرکز تحقیقات توسعه‌ی اجتماعی و ارتقای سلامت

تلفن: ۰۵۳۳-۷۲۲۳۰۲۸ نمابر: ۰۵۳۳-۷۲۲۳۸۱۴ پست الکترونیکی: jahanshir_t@yahoo.com.au

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند

مقدمه

پایینی از پاسخ‌دهی را اعمال می‌کنند. آن‌ها از فرزندان خود انتظار اطاعت داشته و اغلب برای پیشگیری از نافرمانی، فرزندان خود را تنبیه می‌کنند. در فرزندپروری سهل‌گیرانه^۶، والدین برخلاف والدین سخت‌گیر بسیار پاسخ‌دهنده بوده و اجازه ی خودگردانی زیادی به کودکان می‌دهند و آن‌ها را ملزم به انجام رفتار رشد یافته نمی‌کنند (۸). در فرزندپروری غفلت‌ورزانه^۷ والدین در پاسخ‌دهی و سخت‌گیری در سطح پایینی قرار داشته و طردکننده یا مسامحه‌کننده‌اند (۹). در شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه^۸، والدین دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخ‌دهی بوده و فرزندان آنان اجتماعی و به طور مؤثری با کفایت اند و مشکلات رفتاری اندکی را نشان می‌دهند (۱۰).

تاکنون مطالعات متعددی در مورد شیوه های فرزند پروری و پیامدهای روانشناختی و بهداشت روانی آن صورت گرفته است که از جمله می‌توان به نقش شیوه‌های انضباطی سخت‌گیرانه مادران در افزایش هیجان‌های منفی کودکان (۱۱)، کمبود مشارکت، صمیمیت و پاداش در رابطه ی والدین - کودک به عنوان پیش‌بینی کننده ی بروز مشکلات در آینده (۱۲، ۱۳)، نقش والدین سهل‌گیر در تکانشگری و پرخاشگری، عدم استقلال و مسؤلیت‌پذیری در کودکان (۱۴)، تأثیر حمایت مفرط والدین، یا طرد آن‌ها در اختلال‌های درونی کودکان و نوجوانان (اریندل و همکاران، به نقل از ۱۵)، تأثیر فرزندپروری مستبدانه بر هویت زود هنگام و سبک‌های سهل‌گیرانه در آشفتگی هویت (۱۶) اشاره کرد. افرادی که دارای "هویت موفق" و "هویت تعلیق" هستند، به نظر می‌رسد پایه ی محکمی از عاطفه همراه با آزادی زیاد برای ابراز نظریات خود دارند. این ویژگی به سبک فرزندپروری صمیمی و آزادی‌خواه مشابه است و به جوانان کمک می‌کند تا مفهوم پایداری از عزت نفس را به دست آورند (۱۷). هرز در مطالعه ی خود دریافت که سبک فرزندپروری همراه با مراقبت افراطی و سطح پایین پذیرش با عزت نفس ارتباط منفی دارد (۱۸).

چنین به نظر می‌رسد که سبک های فرزندپروری با باورهای خودکارآمدی افراد نیز نقش داشته باشد. مفهوم

موضوع ارتباط والدین و فرزندان سال‌ها نظر صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب نموده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه در باره ی جهان و همچنین، شیوه‌های سخن گفتن و هنجارهای اساسی رفتار را فرا گرفته و نگرش‌ها، اخلاق و روحیات خود را شکل می‌دهد و به عبارتی اجتماعی می‌شود (۱).

هر خانواده شیوه ی خاصی را تحت عنوان شیوه‌های فرزندپروری در تربیت فرزندان خویش به کار گرفته، که متأثر از عوامل متفاوتی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (۲).

تحقیقات معاصر در مورد شیوه‌های فرزندپروری از مطالعات بامریند بر روی کودکان و خانواده‌های آنان نشأت گرفته است. بامریند با رویکردی تیپ‌شناختی بر ترکیب اعمال فرزندپروری متفاوت تأکید می‌کند. تفاوت در ترکیب عناصر اصلی فرزندپروری (مانند گرم بودن، درگیر بودن، درخواست‌های بالغانه، نظارت و سرپرستی) تغییراتی در چگونگی پاسخ‌های کودک به تأثیر والدین ایجاد می‌کند (۳).

شیفر بر اساس مشاهدات تعاملات کودکان ۱ تا ۳ ساله با مادران آن‌ها یک طبقه‌بندی مبتنی بر دو جنبه ی رفتار والدینی یعنی آزادی - کنترل (سهل‌گیری در مقابل سخت‌گیری) و سردی - گرمی (پذیرش در مقابل طرد) را ارائه کرده و نتیجه گرفته که مادران پذیرنده یا طردکننده می‌توانند سخت‌گیر یا آسان‌گیر باشند (۴).

شیوه‌های فرزندپروری والدین به صورت‌های متفاوتی طبقه‌بندی شده است. به طور کلی، پژوهشگران متعددی چهار شیوه ی فرزندپروری اساسی مبتنی بر دو شاخص اصلی یعنی محبت والدین^۱ (پاسخ‌دهی والدینی^۲) و کنترل والدین^۳ (سخت‌گیری والدینی^۴) را طرح‌ریزی کرده‌اند (۵، ۶، ۷). در فرزندپروری مستبدانه^۵، والدین سطوح بالایی از کنترل و سطح

- 1- Parental Warmth
- 2- Parental Responsiveness
- 3- Parental Control
- 4- Parental Demandingness
- 5- Authoritarian

- 6- Permissive
- 7- Neglectful
- 8- Authoritative

افسردگی در ارتباط بوده است (۲۶). وستانیس و همکاران در مطالعه ای نشان دادند که استفاده ی همزمان از تشویق و تنبیه با اختلالات روانی و سبک های فرزندپروری توأم با تشویق زیاد و عدم تنبیه با فقدان اختلالات روانی در ارتباط می باشد (۲۹). همچنین برخی از مطالعات مؤید وجود رابطه بین وضعیت بهداشت روانی افراد و سبک های فرزندپروری آنان است. شیک در تحقیقی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر سلامت روان نوجوانان را مورد مطالعه قرار داد. او در تحقیق خود به این نتیجه رسید که ویژگی‌های والدین با سلامت روان نوجوانان همبستگی دارد، اما به طور کلی ویژگی‌های پدر بر سلامت روان نوجوانان تأثیر بیشتری دارد (۳۲). ری و پلاپ در پژوهشی تأثیر کیفیت فرزندپروری والدین بر نوجوانان مبتلا به اختلال‌های مقابله‌ای و رفتاری را مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که نوجوانان بهنجار، والدین خود را به عنوان افرادی کنترل‌کننده و بی احساس می‌دانستند (۳۳).

با توجه به مبانی نظری یادشده، انجام پژوهشی در مورد شیوه‌های فرزند پروری، سلامت روانی و خودکارآمدی در دانشجویان که از نیروهای سازنده و فعال کشور هستند و تامین سلامت روانی آنان و همچنین افزایش خود کارآمدی بویژه خود کارآمدی تحصیلی نقش اساسی در تربیت هر چه بهتر این قشر سرنوشت ساز خواهد داشت. اهمیت می یابد از این رو، پژوهش حاضر قصد دارد چهار فرضیه ی زیر را به بوته ی آزمایش بگذارد که عبارتند از:

- ۱- شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی دانشجویان اثر دارد.
- ۲- شیوه‌های فرزندپروری مختلف (سهل گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) بر خودکارآمدی دانشجویان اثر متفاوتی دارد.
- ۳- شیوه‌های فرزندپروری بر سلامت روانی دانشجویان اثر دارد.
- ۴- شیوه‌های فرزندپروری مختلف (سهل گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) بر سلامت روانی دانشجویان اثر متفاوتی دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر مطالعه ای توصیفی- تحلیلی و پس رویدادی است. جامعه ی آماری این پژوهش شامل دانشجویان مشغول به تحصیل در رشته‌های کارشناسی علوم انسانی دانشگاه پیام نور و دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور به تعداد

خودکارآمدی از نظریه ی شناختی- اجتماعی بندورا مشتق شده و به باورها یا قضاوت‌های فرد درباره ی توانایی‌های خود در انجام وظایف و مسؤولیت‌هایش اشاره دارد. وی خودکارآمدی را عبارت از باورها و قضاوت‌های افراد درباره ی توانایی‌هایشان در انجام تکالیف خاص در موقعیت‌های خاص می‌داند (۱۹). نتایج مطالعات نشان می دهد که خودکارآمدی پایین با افسردگی (اهرنبرگ، کاکس و کوپمن)، استرس و سلامتی روانشناختی (کاردماس، کالانتزی-عزیزی) و عزت نفس پایین و روان نژندخویی (جاج و همکاران؛ به نقل از الیس) نیز در ارتباط می باشد (به نقل از ۲۰). اگرچه تحقیقات آشکاری در مورد رابطه ی شیوه‌های فرزندپروری والدین و خودکارآمدی وجود ندارد، اما شواهد قابل ملاحظه ای وجود دارد مبنی بر این که خودکارآمدی بالا به کیفیت بالای تعاملات مادر- کودک (۲۱) حساسیت، گرمی (۲۲) و پاسخدهی مادرانه (۲۳) مربوط است. این ویژگی‌های والدینی می تواند با سبک های فرزندپروری مختلفی در ارتباط بوده و عوامل محافظتی مهمی در برابر رشد کودک و مشکلات رفتاری نوجوان (۲۴)، ارتقای عزت نفس کودک، عملکرد تحصیلی و کفایت اجتماعی و سطوح پایین اضطراب و افسردگی محسوب می شود (۲۵). توافق بر این است که سبک فرزندپروری با پیامدهای مختلفی از قبیل آسیب شناسی روانی، مشکلات رفتاری و پیشرفت تحصیلی ارتباط دارد. در برخی مطالعات نشان داده شده است که بین سبک های فرزندپروری و آسیب شناسی روانی والدین ارتباطی وجود دارد (۲۶-۲۹). تامپسون و همکاران از نگرش های فرزندپروری مستبدانه به عنوان یک خطر برای مشکلات سلوکی یاد کرده (۳۰) و ترنر و همکاران در پژوهشی با هدف تعیین رابطه ی سبک فرزندپروری مقتدرانه با پیشرفت تحصیلی، خودکارآمدی و انگیزش پیشرفت بر روی دانشجویان، مشخص ساختند که فرزندپروری مقتدرانه هم بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه و هم انگیزش درونی و خودکارآمدی تحصیلی تأثیر دارد (۳۱). اویسرمن و همکاران در مطالعه ای نشان دادند که شیوه ی فرزندپروری آسان گیر با علایم بیشتر افسردگی و اضطراب نوجوانان و سبک فرزندپروری مثبت و رهنمودی با علایم کمتر

پرسشنامه ی سلامت عمومی (GHQ) توسط گلدبرگ ابداع شد و هدف از طراحی آن کشف و شناسایی اختلال‌های روانی در مراکز و محیط‌های مختلف بوده است. سؤال‌های پرسشنامه که به بررسی وضعیت روانی فرد در یک ماهه ی اخیر می‌پردازد، شامل نشانه‌هایی مانند افکار و احساس‌های نابهنجار و جنبه‌هایی از رفتار قابل مشاهده می‌باشد. به همین جهت، سؤال‌ها به موقعیت اینجا و اکنون تأکید دارند (به نقل از ۳۶). فرم هنجاریابی شده ی ۲۸ سؤالی این پرسشنامه چهار مقیاس فرعی نشانه‌های جسمانی، اضطراب و بی‌خوابی، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی و گرایش به خودکشی را در بر می‌گیرد (به نقل از ۳۷). نتایج مطالعه ی فرا تحلیل ویلیامز، گلدبرگ و ماری نشان داد که متوسط حساسیت پرسشنامه ی GHQ برابر با ۰/۸۴ و متوسط ویژگی آن برابر با ۰/۸۲ می‌باشد (به نقل از ۳۸).

پرسشنامه ی خودکارآمدی عمومی (شوارزر، ۲۰۰۰؛ به نقل از پاشاشریفی و نیکخو، ۱۳۷۴) دارای ۱۰ سؤال است که آزمودنی بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت به آن‌ها پاسخ می‌دهد. کمترین درجه ی نمره ۱ و بالاترین درجه برای هر سؤال نمره ی ۴ است (به نقل از ۳۹). پایایی این پرسشنامه در پژوهش رجبی و همکاران بر روی دانشجویان دانشگاه اهواز ۰/۸۲ گزارش شده است (۴۰). تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و انجام آزمون‌های تحلیل واریانس یک عاملی و دو عاملی (F) و آزمون تعقیبی توکی صورت گرفت.

یافته‌ها

برای ارزیابی فرضیه ی اول، مطابق با جدول ۱ از تحلیل واریانس یک عاملی استفاده شده است.

جدول ۱: خلاصه ی نتایج تحلیل واریانس یک عاملی مربوط به تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر خود-کارآمدی آزمودنی‌ها

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه ی آزادی	میانگین مجذورات	F	p
بین‌گروهی	۱۱۷/۹۲	۲	۵۸/۹۶	۳/۷۸۰	۰/۰۰۶۴
درون‌گروهی	۴۳۹۰/۵۸	۲۰۷	۲۱/۲۱۱		
کل	۴۵۰۸/۵۰	۲۰۹			

فرزندپروری بر خودکارآمدی دانشجویان تأثیر دارد و با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود که شیوه‌های

۳۷۵۷ نفر (۲۴۵۲ دختر و ۱۳۰۵ پسر) می‌باشد. نمونه ی پژوهش با استفاده از فرمول ۲۰۸ نفر برآورد شد. لذا ۲۱۰ دانشجوی دختر و پسر مجرد و متاهل مشغول به تحصیل در رشته‌های کارشناسی به صورت نمونه گیری طبقه‌ای تصادفی از بین رشته‌های مورد نظر با توجه به نسبت هر رشته به کل جامعه ی آماری از کلاس‌ها انتخاب شدند.

در این پژوهش ابتدا والدین پرسشنامه ی شیوه‌های فرزندپروری را تکمیل نمودند. سپس، فرزندان آن‌ها (دانشجویان) بر حسب شیوه ی فرزندپروری والدین در یکی از سه گروه فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه گماشته و توسط دو پرسشنامه ی سلامت عمومی و خودکارآمدی مورد آزمون قرار گرفتند. پرسشنامه ی شیوه‌های فرزندپروری، توسط بامریند در سال ۱۹۶۷ ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده یعنی ۱۰ ماده برای هر یک از شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و قاطعانه است. میزان اعتبار این مقیاس در تحقیق اسفندیاری برای شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و قاطعانه به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۷ و ۰/۷۳ به دست آمد (۳۴).

بامریند میزان اعتبار این پرسشنامه را با روش بازآزمایی برای شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و قاطعانه به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۵ و ۰/۹۲ گزارش نمود. وی هم‌چنین در مورد میزان پایایی پرسشنامه گزارش نمود که مستبد بودن مادر با سهل‌گیری (۰/۵۰) و اقتدار منطقی او (۰/۵۲) رابطه ی معکوس دارد (به نقل از ۳۴). در پژوهشی که توسط رئیسی (۱۳۸۳) انجام شد، پایایی آزمون بر روی نمونه‌ای از مادران به شیوه ی بازآزمایی به ترتیب برای شیوه‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و قاطعانه ۰/۶۹، ۰/۷۷ و ۰/۷۳ گزارش شد (۳۵).

بر اساس نتایج جدول، فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود و با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود که شیوه‌های

جدول ۲: خلاصه‌ی نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه‌ی میانگین‌های گروه‌ها در آزمون خودکارآمدی

p	تفاوت میانگین			انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
	شیوه‌ی مقتدرانه	شیوه‌ی مستبدانه	شیوه‌ی سهل‌گیرانه				
۰/۱۵	-	-۴/۲۴	-	۲/۹۴	۲۷/۶۳	۶۸	شیوه‌ی سهل‌گیرانه
۰/۰۰۱	-۱۹/۸۵*	-	-	۶/۳۵	۲۳/۵۳	۱۲۹	شیوه‌ی مستبدانه
۰/۰۱	-	-	-۱۵/۵*	۶/۰۷	۴۳/۰۴	۱۳	شیوه‌ی مقتدرانه

مقایسه‌هایی که در سطح ۰/۰۵ آماری معنادار هستند با * مشخص شده‌اند.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد والدین در سبک فرزندپروری خود به ترتیب از شیوه‌های مستبدانه (۱۲۹ نفر)، سهل‌گیرانه (۶۸ نفر) و مقتدرانه (۱۳ نفر) استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر سبک فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب بیشترین و کمترین مورد استفاده را داشته است. این در حالی است که میانگین نمره‌ی خودکارآمدی در شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه (۴۳/۰۴) بالاتر از میانگین نمره خودکارآمدی در شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه (۲۷/۶۳) و مستبدانه (۲۳/۵۳) است. همچنین با توجه به نتایج آزمون تعقیبی توکی میانگین نمرات خودکارآمدی شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه باعث افزایش خودکارآمدی شده است

($p=0/001$) و میانگین نمرات خودکارآمدی شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه ($p=0/001$) تفاوت معنی‌داری وجود داشته، اما این تفاوت در میانگین نمرات خودکارآمدی شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه معنی‌دار نبوده است ($p=0/15$). بنابراین، فرضیه‌ی دوم پژوهش مبنی بر این که شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه بر خودکارآمدی دانشجویان اثر متفاوتی دارد، تأیید شده و نتیجه گرفته می‌شود که شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه نسبت به شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه باعث افزایش خودکارآمدی شده است

جدول ۳: خلاصه‌ی نتایج تحلیل واریانس یک عاملی مربوط به تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر سلامت روان آزمودنی‌ها (نمره‌ی کل مقیاس)

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجزورات	F	p
بین‌گروهی	۱۴۳۶/۸۸	۲	۷۱۸/۴۴۱	۳/۶۹۴	۰/۰۲۷
درون‌گروهی	۴۰۲۵۵/۲۱	۲۰۷	۱۹۴/۴۷۰		
کل	۴۱۶۹۲/۰۹	۲۰۹			

بر اساس داده‌های جدول ۳، فرضیه‌ی سوم تحقیق تأیید می‌شود. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه‌گیری می‌شود که شیوه‌های فرزندپروری بر سلامت روان (نمره‌ی کل مقیاس) دانشجویان تأثیر دارد ($p=0/027$).

جدول ۴: خلاصه‌ی نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه‌ی میانگین‌های گروه‌ها در نمره‌ی کل مقیاس سلامت روان

p	تفاوت میانگین			انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
	شیوه‌ی مقتدرانه	شیوه‌ی مستبدانه	شیوه‌ی سهل‌گیرانه				
۰/۰۱۸	-	-۹/۵۹*	-	۱۱/۷۵	۲۷/۱۸	۶۸	شیوه‌ی سهل‌گیرانه
۰/۰۰۷۸	-۱۱*	-	-	۱۴/۸۸	۳۶/۷۷	۱۲۹	شیوه‌ی مستبدانه
۰/۷۹۷	-	-	۱/۴۱	۱۴/۸۸	۲۵/۷۷	۱۳	شیوه‌ی مقتدرانه

مقایسه‌هایی که در سطح ۰/۰۵ آماری معنادار هستند با * مشخص شده‌اند.

جدول ۴ نشان می‌دهد که میانگین نمره‌ی GHQ در شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه (۲۵/۷۷) پایین‌تر از میانگین نمره GHQ در شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه (۲۷/۱۸) و بویژه شیوه مستبدانه (۳۶/۷۷) است. همچنین در میانگین نمرات GHQ شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه

نمرات GHQ شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه ($p=0/078$) و شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه ($p=0/018$) تفاوت معنی‌دار بوده، اما در میانگین نمرات GHQ شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه

هرکدام از شیوه های فرزندپروری بر سلامت روانی متفاوت بوده و در این میان فرزندپروری مقتدرانه و سهل گیرانه تأثیر معنی دار بیشتری بر سلامت روانی گذاشته است. در حالی که شیوه فرزندپروری مستبدانه از نظر بهداشت روانی تأثیر نامطلوبی بر جا گذاشته است. این یافته ها با نتایج پژوهش قبلی (۳۱،۴۳،۳۰،۱۸،۱۳،۱۱) هماهنگی داشته اما با پژوهش های دیگر (۲۶،۱۴) ناهماهنگ است. چنین به نظر می رسد نوجوانان و جوانان در خانواده هایی با سبک فرزندپروری مقتدرانه متکی به خود، آرام و امیدوار بوده و

هویت شخصی آن ها آسیب نمی بیند. همچنین این شیوه به نظر می رسد با دلبستگی بیشتر به والدین به ویژه در دوران کودکی و احساس رضایت بیشتر از زندگی همراه بوده و زمینه را برای احساس ارزشمندی و عزت نفس بیشتر نوجوان و در نتیجه وضعیت بهداشت روانی مطلوب تر فراهم می سازد. در صورتی که برخوردهای مستبدانه با فرزندان می تواند با اثرات نامطلوب هیجانی و اعتماد به نفس پایین، زمینه را برای بروز اختلالات و آشفتگی های روانی فراهم سازد. در این راستا برخی از صاحب نظران عقیده دارند که شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه بر خلاف شیوه ی مستبدانه با فردیت و حس استقلال کودک در خانواده مربوط بوده که در ارتقاء سلامت روانی و بهزیستی روانشناختی اهمیت عمده ای دارد. در حالی که شیوه ی فرزندپروری مستبدانه با برخوردهای خشن، محدودکننده و کنترل افراطی به فردیت و استقلال فرزندان در خانواده آسیب می زند (۴۴).

احتمالاً شیوه ی سهل گیرانه نیز به خاطر فرصت خودگردانی بیشتر برای فرزندان و همچنین محبت بیشتر والدین به آن ها به جای برخوردهای خشن و تنبیه کننده در مقایسه با شیوه ی فرزندپروری مستبدانه وضعیت مطلوب تری از نظر بهداشت روانی برای فرزندان رقم زده است. همچنین تحقیقات نشان می دهد، استفاده از روش های انضباطی دارای کنترل کم و پذیرش بالا با درونی کردن معیارهای اخلاقی بویژه در افراد ۱۸ و ۱۹ ساله رابطه ی مثبت داشته و به هنگام حل تعارض های بین والدین و نوجوانان استفاده از کنترل پایین در مقایسه با کنترل بالا کمتر باعث کاربرد شیوه های خشونت آمیز و مخرب می شود (۴۵).

($p=0/79$) تفاوت معنی داری وجود نداشته است. بنابراین، فرضیه ی چهارم پژوهش مبنی بر این که شیوه های فرزندپروری سهل گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه بر سلامت روانی دانشجویان اثر متفاوتی دارد تأیید شده و نتیجه گرفته می شود که شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه و سهل گیرانه نسبت به شیوه ی فرزندپروری مستبدانه باعث افزایش سلامت روانی شده است. به عبارت دیگر شیوه ی فرزندپروری مستبدانه در مقایسه با سایر شیوه ها بدترین تأثیر را بر وضعیت بهداشت روانی دانشجویان داشته گذشته است.

بحث

نتایج پژوهش حاضر همسو با نتایج پژوهش های قبلی (۳۱،۱۱،۲۱،۲۲،۲۳،۲۵،۴۴) نشان داد شیوه های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان تأثیر معناداری داشته است. نتایج همچنین بیانگر این است که میانگین نمره کل آزمون خودکارآمدی در شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه نسبت به شیوه ی فرزندپروری سهل گیرانه و مستبدانه بالاتر بوده است. این یافته با مطالعه ی حسینی نسب و همکاران ۱۳۸۷ همخوانی دارد. از این رو، می توان گفت که شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه در مقایسه با دو شیوه ی فرزندپروری سهل گیرانه و مستبدانه تأثیر بیشتری بر خودکارآمدی دانشجویان داشته است. در تبیین نتایج فوق و برتری شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه نسبت به دو شیوه ی سهل گیرانه و مستبدانه باید گفت که این والدین دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخ دهی می باشند. آن ها فرزندان خود را به عنوان افرادی با کفایت و موفق نگریسته و از آن ها مطابق با توانایی شان انتظار دارند. همچنین، این والدین به شخصیت فرزندان خود احترام گذاشته و فرزندان آن ها مستقل، گرم، صمیمی و دارای روحیه ی همکاری بیشتری هستند و توانایی ابراز وجود و انگیزه ی پیشرفت بالایی دارند که چنین رویه ای احتمالاً به خودکارآمدی بالا منجر شده است.

یافته های این پژوهش همچنین هماهنگ با یافته های پژوهش های قبلی (۲۴، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۴۱ و ۴۲ و ۴۳) مشخص نمود که شیوه های فرزندپروری بر وضعیت سلامت روانی دانشجویان نیز مؤثر بوده است. به گونه ای که اثر

نتیجه گیری

در پیشگیری از اختلالات روانی در آن‌ها موفق باشند.

تشکر و قدردانی

این مقاله بر اساس طرح پژوهشی شماره ی ۱۱۲۲۶ مورخه ی ۱۰/۵/۱۳۸۸ با اعتبار مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور انجام شده است. از همکاری صمیمانه جناب آقای دکتر متولی‌زاده (ریاست محترم دانشگاه)، دکتر مهرزاد (معاونت محترم پژوهشی) و همکاران محترم طرح جناب آقای دکتر زنده‌دل، کاظم صدیقی و نسرین کمال‌پور تشکر می‌شود.

References:

- 1- Hergenhan B, Alson M H. An introduction to learning ideas. Translated by: Seif A A. Tehran: Dana publications; 2003. [In Persian]
- 2- Hardy D F, Power T G, Jadedicke S. Examining the relation of parenting to children's coping with everyday stress. *Child develop* 1993; 64(6): 18-48
- 3- Darlyng N. Parenting style and fits correlates. 2007. Available at: WWW. Othealth. Com/partitioner/ceduc/parentingstyles.
- 4- Laible D, Thompson R. Mother-child infliction toddler year: lessons in emotion morality and relationships. *Child development* 2002; 73(4): 1187-1203.
- 5- Baumrind D. The effects of authoritative parental control on child behavior. *Child development* 1996; 37(2): 887-907.
- 6- Scheafer E SA. Circumflex model for maternal behavior. *Journal of abnormal and social psychology* 2003; 59(2): 226-235.
- 7- Zimmerman B J, Bandura A, Martinez P M. Self-motivation for academic attainment. The role of self-efficacy beliefs and personal goal setting. *American educational research journal* 2003; 26(3): 663-676.
- 8- Sayad shirazi M. The relationship between parents' educational styles and youths' formation of religious identity type. Unpublished master's Thesis in counseling. Allameh University; 2004. [In Persian]
- 9- Alizadeh H, Yari M. The study of parenting styles in families of youths with behavior disorder and families without behavior disorder. *Pajohesh dar Heyte e Kodakan e Estesnai* 2006; 20(2): 697-704. [In Persian]
- 10- Bigham H. The relationship between obsessive- compulsive disorder and parenting styles of authority rational democratic and despotic. [Thesis]. Tehran Psychiatry Institute; 2000. [In Persian]
- 11- Florsheim P. Chinese adolescent immigrants: factors related to psychosocial adjustment. *Journal of Youth and Adolescence*; 1997; 26(2): 143-163.
- 12- Betz N E, Hackett G. The relationship of career-related self-efficacy expectations to perceive career options in college of woman and men. *Journal of counseling psychology* 1981; 28(5): 399-410.
- 13- Barber B K, Stolz H E, Olsen J A. Trajectories of physical aggression from toddlerhood to middle childhood. *Monogram soc res child dev* 2005; 70(4): 1-137.
- 14- Baumrind D. Peering competent children. In: Damon (editor) *child development today and tomorrow*. San Francisco: Jossey Bass; 1989: 349-378.
- 15- Bronte-tinkew J, Moore K A, Carrano J. The father-child relationship parenting styles and adolescent risk behaviors in intact families. *J Famil Issues*; 2006; 27(6): 850-881.

- 16- Ghasemi M, Arefi M, Sheikholeslami R. The study of relationship between identity and values in youngsters. Special editorial of educational sciences and psychology faculty of Ferdowsi University 2004; 7(1): 245-263. [In Persian]
- 17- Leilabadi L. The study and comparison of personality qualities and mothers' parenting styles of normal and affected to behavioral disorder students in Tehran boy primary schools. [Unpublished Master's Thesis] Tehran: Tehran University; 2004. [In Persian]
- 18- Herz L, Gullone E. The relationship between self-esteem and parenting style: a cross-cultural comparison of Australian and Vietnamese adolescents. *J Cross-Cult Psych* 1999; 30(6): 742-761.
- 19- Bandura A. Cultivate self-efficacy for personal and organizational effectiveness. *Handbook of principles of organization behavior*. Oxford: Blackwell; 2000: 120-139.
- 20- Tavakolizadeh J, Ebrahimi S, Farokhi N, Golzari M. Effect of teaching of self-regulated learning strategies on mental health attribution styles and self-efficacy in 2nd grade junior-high school boys. [Thesis] Allameh Tabatabaei University; 2010. [In Persian]
- 21- Tucker S, Gross D, Fogg L, Delaney K, Lapporte R. The long-term efficacy of a behavioral parent training intervention for families with 2-year old. *Res Nur H* 1998; 21(3): 199-210.
- 22- Teti D M, Gelfand D M. Behavioral competence among mothers of infants in the 1st year: the meditational role of maternal self-efficacy. *Child Development* 1991; 62(5): 918-929.
- 23- Stifter C A, Bono M A. The effect of infant colic on maternal self-perceptions and mother-infant attachment. *Child Care Health and Development* 1998; 24(5): 339-351.
- 24- Pettit G S, Bates J E. Family interaction patterns and children's behavior problems from infancy to four years. *Develop Psych* 1989; 25(3): 413-420.
- 25- Patterson G R. De Baryshe B D, Ramsey E A. Developmental perspective on antisocial behavior. *Ame Psycho* 1989; 44(2): 329-335.
- 26- Oyserman D, Bybee D, Mowbray C. Influences of maternal mental illness on psychological outcomes for adolescent children. *J Adolescence* 2002; 25(6): 587-602.
- 27- Ackerson B. Coping with the dual demands of severe mental illness and parenting. Parents' perspective. *Families in Society* 2003; 84(1): 109-118.
- 28- Berg-Nielsen T, Vikan A, Dahl A. Parenting related to child and parental psychopathology: a descriptive review of the literature. *Clin Child Psychol Psychiatry* 2002; 7(4): 529-552.
- 29- Vostanis P, Graves A, Meltzer H, Goodman R, Jenkins R, Brugha T. Relationship between parental psychopathology parenting strategies and child mental health. *Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol* 2006; 41: 509-514.
- 30- Thompson A, Hollis C, Richards D. Authoritarian parenting attitudes as a risk for conduct problems: results from a British national cohort study. *Eur Child Adol Psychiatry* 2003; 12: 84-91.
- 31- Turner A, Chandler M, Heffer W. The influence of parenting styles achievement motivation and self-efficacy on academic performance in college students. *J College Student Development* 2009; 50(3): 337-346.
- 32- Shieck N. Parenting style and is correlates. Genetic social, general psychology monographs 2006; 125(3): 269-297.
- 33- Rey J M, Plop J M. Quality of perceived parenting in positional and conduct disorder adolescents. *J Ame Acad Child Adoles Psychiat* 2004; 29: 382-389.
- 34- Esfandiari G H. The study and comparison of parenting styles of affected children's mothers to conduct disorder and normal children's mothers and the effect of mothers' training on conduct disorders of children. Tehran: Tehran Psychiatry Institute; 1992. [In Persian]
- 35- Raisi A. The study of relationship between parents' parenting styles with mental health of girl students in grade 1 at high school in Isfahan. [Unpublished Master's Thesis] Isfahan: Isfahan University; 2005. [In Persian]

- 36- Erkman F, Rohner R P. Youths' perceptions of corporal punishment parental acceptance and psychological adjustment in a Turkish metropolis. *Cross-cult Res* 2006; 40(3): 250-267.
- 37- Bahrami Ehsan H, Bagherpour komachali S, Fathiashtiani A, Ahmadi A A. The study of relationship between parenting styles with mental health and academic success of children. *Psycho educa sci J* 2009; 38(4): 87-100.
- 38- Goldenberg I, Goldenberg H. Family therapy. In: R J Corsini, wedding (eds), *Current psychotherapies* (pp.375-406). Itasca IL: F E. Peacock publication; 2002.
- 39- Psha sharifi H, Nikkhoo M R. *Mental assessment guide*. Tehran: Roshd Publications; 1995. [In Persian]
- 40- Rajabi A, Attari Shokrkon H. Validation and comparison of vocational self-efficiency expectations in boy and girl students at Shahid Chamran University in Ahvaz. *The university psychological and educational sciences J* 2005; 11(1, 2): 71-100 [In Persian]
- 41- Smits I, Soenens B, Luyckx K, Duriez B, Berzonsky M, Goossens L. Perceived parenting dimensions and identity styles: exploring the socialization of adolescents processing. *J adolescence*; 2008; 31(2): 151-164.
- 42- Havasi N. The study and comparison between parenting styles in families with addicted youth and families with normal youth. [Thesis] Tehran: Alzahra University; 2007. [In Persian]
- 43- Hosseininasab D, Ahmadian F, Ravanbakhsh M. The study of relationship between parenting styles with self-efficacy and mental health of students. *Edu Psycho Stud* 2009; 2: 21-37. [In Persian]
- 44- Barber B. Adolescent socialization in context: the role of connection regulation and autonomy in the family. *J Adol Res* 1997; 12(1): 5-11.
- 45- Speara C A. Review of the relationship among parenting practices parenting styles and adolescent school achievement. *Edu psych review* 2005; 17(2): 125-146.

The Effect of Parenting Styles on Self-efficacy and Mental Health of Students

Hassan Tozandehjani¹, Jahanshir Tavakolizadeh² and Zahra Lagzian³

Abstract

Background and Aim: Parenting style as one of the basic functions of parents has an important role at the later stages of life. This research has been accomplished to determine the effect of parenting styles on self-efficacy and mental health of students.

Materials and Methods: This descriptive-analytical research has been done on 210 students (105 males and 105 females) among 3757 humanity students of Payam-e-Noor and Azad Universities in Neyshabour who were selected by multilayer cluster sampling method. The subjects were tested by child rearing self-efficacy and GHQ-28 questionnaires. The data were analyzed applying one-way ANOVA, two-factor (F), and Tukey test.

Results: The results indicated that parenting styles had a significant influence on self-efficacy of students ($p=0.0064$). There was a significant effect on increasing self-efficacy in authoritative style compared with permissive style ($p=0.0001$) and the authoritarian style ($p=0.01$). Also, parenting styles had a significant effect on mental health condition ($p=0.027$). Parenting styles had different significant effects on mental health of students. Authoritative style had an effect more than that of the authoritarian style ($p=0.0078$) and permissive style more than authoritarian style ($p=0.018$).

Conclusion: Regarding the effect of parenting styles on self-efficacy and mental health which is of great importance in students, teaching programs about parenting styles is recommended for parents at different levels.

Keywords: Mental health, parenting styles, self-efficacy, students

Ofogh-e-Danesh. GMUHS Journal. 2011, Vol. 17, No. 3

1- Assistance Professor, PhD in Psychology, Islamic Azad University, Neyshabour Branch, Neyshabour, Iran

2- **Corresponding Author:** Assistance Professor, PhD in Psychology, Social Development and Health Promotion Research Center, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Khorasan Razavi Province, Iran.

Tel: +98 533 7223028

Fax: +98 533 7224051

E-mail: Jahanshir_t@yahoo.com.au

3- MSc Student in Clinical Psychology, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran